

باب هفتاد و نهم- شرح نگین اسم اعظم، شامل دو لوح که متضمن جواب سؤالات است

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت عبدالبهاء - مائده آسمانی، جلد ۲، صفحه ۹۸ - ۱۰۳

باب هفتاد و نهم- شرح نگین اسم اعظم، شامل دو لوح که متضمن جواب سؤالات است

لوح اول:

حضرت عبدالبهاء میفرماید قوله الاحلی:

"در خصوص ناچه صالح سؤال نموده بودید عبدالبهاء فرصت قرائت عشر مکاتیب متوارده ندارد تا چه رسد باجوبه مفصله و مشاغل سائر نیز بی حد و پایان با وجود این کجا فرصت تفسیر آیات و تأویل کلمات و توضیح اشارات و تشریح بشارات کتب منزله سابقه دارد هر روز البتّه صد سؤال وارد و جواب میطلبند لهذا این عبد باهمّ پرداخته که لزوم قطعی دارد و جواب مینگارد و سؤالات سائر را بوقت مرهون موکول مینماید ناچه صالح در آثار مبارک اشاره است که نفس مقدّس صالح بود و از لبن معانی که پستان رحمانی آن وجود مبارک است رزق روحانی و لبن رحمانی نازل اما نفوس خبیثه آن ناچه الهیّه را پی نمودند و انکار کردند و تکذیب نمودند و بعذاب الیم حرمان و کفران و طغیان گرفتار شده بهلاکت ابدی افتادند.

و اما آن چشمه چشمه حیات این جهان بود و من الماء کلّ شیء حیّ آن قوم عنود خواستند که زندگی این جهان فانی بتمامه شایان ایشان باشد لهذا بانکار و استکبار و اذیت و اضطهاد قیام کردند و آن ناچه الهی را پی نمودند و چون آن ناچه الهی را انکار کردند نتیجه و اثر آنحضرت از میان آن قوم خروج نمود و غائب گردید. این است که مذکور است که نتیجه ناچه را بکوه و صحرا نهاد و غائب گردید و آن قوم بخسران ابدی افتادند و بانعدام سرمدی مبتلا گشتند محو و نابود شدند نه ثمری و نه اثری نه ذکر و خبری و نه حیاتی و بقائی لا تسمع لهم صوتاً ولا رکراً" انتهى

لوح اسم اعظم :

حضرت عبدالبهاء میفرماید قوله الاحلی:



ORIGINAL

مدّتی است مدید که آن جناب در پاریس بخدمت مشغولید هر چند زحمت و مشقّت بسیار است ولی خدمت پروردگار است و اكمال فنّ طبابت آن دیار لهذا سزاوار شکرانه است باید نهایت شکرگزاری را از حصول این موهبت مجری دارند زیرا بعون و عنایت حقّ اسبابی چنین فراهم آمد که شما در پاریس باشید و نفس نفیس را فدای امر الهی نمائید. با جناب آقا سید اسد الله بنهایت مدارا رفتار کنید تا میر ناصر بیاید پیش از وصول میر ناصر حرکت شما جائز نه این شخص در نزد عبدالبهاء بسیار عزیز است زیرا از سادات خمسه است که در آیام مبارک همواره الطاف جمال قدم شامل حال بود توقیعات اسم اعظم متعدّد در حقّ ایشان صادر این قضیه حاصله عوارض از شدّت تفکّر و تدبّر و سعی و کوشش در امور حاصل گردید و حکمت بالغه در این عنقریب ظاهر خواهد شد.

و اما شروح (مسیو انزل من) در خطوط فصّ نگین اسم اعظم هر چند بدرجه‌ای مقارن حقیقت است ولی باید که تعمّق زیاد نمائید و تدبّر کلی فرمایند زیرا مرکّب از دو باء است و چهار هاء شرح باء در تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم مرقوم گردیده بسیار مفصّل است در این نامه نگنجد رجوع شود بآن. تکرّر باء اشاره بمقام غیب و شهود است و اما چهار هاء که ارکان اربعه بیت توحید است و عددش متمّم عشره است زیرا یک با دو سه سه و سه شش شش و چهار ده و اشاره باین مقام در آیه قرآن است که میفرماید و اتمنناها بعشره. باری هاء را عدد پنج است و این هاء هاء هویت و حقیقت رحمانیه است در عدد پنج که عدد باب است ظاهر و آشکار است لهذا در فصّ نگین اعظم باء با هاء ترکیب شده است و همچنین اسم اعظم از آن نقش ظاهر و عدد اسم اعظم نه است چون نه را که عدد بهاء است در باب که عدد پنج است ضرب نمائید نه پنج است که چهل و پنج گردد و همچنین پنج را که عدد باب است در نه ضرب کنی که عدد بهاء است چهل و پنج است و این عدد با عدد آدم مطابق است و همچنین مفردات نه را چون جمع کنی چهل و پنج است یک و دو سه سه و سه شش شش و چهار ده ده و پنج پانزده پانزده و شش بیست و یک بیست و یک و هفت بیست و هشت بیست و هشت و هشت سی و شش سی و شش و نه چهل و پنج و همچنین چون عدد باب را جمع کنی پانزده گردد: یک و دو سه سه و سه شش شش و چهار ده ده و پنج پانزده مطابق عدد حواّ است و موافق حدیث انا و علی ابوا هذه الامّة مقصد از آدم حقیقت فائضه متجلّیه فاعله است که عبارت از ظهور اسماء و صفات الهیه و شئون رحمانیه است و حواّ حقیقت مقتبسه مستفیضه مستنبئه منفعله است که منفعل بجمع صفات و اسماء الهیه است . باری این ادنی رمزی از ترکیب اسم اعظم در فصّ نگین رحمانیست. و همچنین ملاحظه کنید که سطوح ثلاثه عالم حقّ و عالم امر و عالم خلق است که مصادر آثار است عالم حقّ مصدر فیض جلیل است و عالم امر مرآت صافیه لطیف که مستنبأ از شمس حقیقت است و عالم خلق مصدر اقتباس انوار است که بواسطه وسیله کبری المستفیضة من الحقّ و المفیضة علی الخلق حاصل گردد. باری باء حقیقی که حقیقت کلّیه است چون در مراتب ثلاثه از ذروه اعلی تا بمرکز ادنی نزول و تجلّی کرد جامع و واجد جمیع عوالم شد و در افق عزّت قدیمه دو کوكب نورانی ساطع و لامع گردید کوكبی از یمین و کوكبی از یسار و این رمز عظیم دو شکلی است که در یسار و یمین اسم اعظم در فصّ نگین محترم ترسیم گردیده و رمز از ظهور جمال ابهی و حضرت اعلی است و هر چند دو شکل یمین و یسار بصورت ستاره است ولی اشاره به هیكل انسانی است که عبارت از سر و دست و دو پاست و علیک البهاء الابهی ع.ع. انتهى